

بررسی فقهی و حقوقی مالکیت پسماندهای جامد شهری

دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی

دانشیار دانشگاه قم

esmail_nematollahi@yahoo.com

چکیده

امروزه هر شیء به ظاهر بی‌فایده‌ای که نمی‌تواند نیازهای مالک را پاسخ دهد و پسماند یا زباله تلقی می‌شود می‌تواند کالایی ارزشمند و به تعبیری طلای کثیف یا سیاه محسوب شود. برخی از پسماندها پس از بازیافت به کالاهای ارزشمندی تبدیل می‌شوند؛ برخی از زباله‌ها برای سوختن و تولید انرژی در نیروگاه‌ها به کار گرفته شده و پسماندهای خوراکی ممکن است در جهت تولید کود و کمپوست استفاده شوند. پس از آنکه مالک پسماند از آن دست کشید و آن را در کنار سطل یا داخل زباله قرار داد، به طور معمول نهاد متصدی که ممکن است شهرداری یا شرکت تابع آن باشد اقدام به جمع‌آوری پسماند می‌کند و گهگاه اشخاص دیگری اقدام به برداشتن برخی از زباله‌ها از سطل‌های مذکور می‌کنند. این امر ممکن است موجب بروز اختلاف و نزاع بین این اشخاص و مالک سطل‌های زباله گردد. در سطح کلان‌تر نیز پس از جمع‌آوری زباله‌ها و انباشت و بازیافت آنها مسئله مالکیت آنها مطرح می‌شود. حقوق کشورمان فاقد مقرراتی در خصوص مالکیت پسماند است و با توجه به خلأ قانونی و عدم پیشینه تحقیقی در این خصوص، حل اختلافات در سطح خرد و کلان نیازمند بررسی جامعی است.

کلیدواژه: پسماند، زباله، اعراض، مالکیت، حیات

مقدمه

کاربردهای فراوانی که امروزه برای اقسام زباله و پسماند وجود دارد، پسماند را به کالایی با ارزش تبدیل کرده است که به آن طلای کثیف یا طلای سیاه اطلاق می‌شود: «بیزینس طلای کثیف یا همان ضایعات امروزه در کشور ما هم یکی از پرسودترین تجارت‌های موجود می‌باشد».^۱ «امروزه تفکیک، بازیافت و استفاده از زباله با عنوان طلای سیاه یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه پایدار برای کشورها^۲ محسوب می‌شود و تولید برق از زباله در کشورهای توسعه‌یافته به

^۱ <https://behroob.ir/articles/articles> (دسترسی در ۱۳/۴/۱۴۰۲).

^۲ «شاید بتوان کشور سوئد را یکی از موفق‌ترین کشورهای جهان در زمینه بازیافت زباله عنوان کرد. در حالی که در سال ۱۹۷۵ تنها ۳۸ درصد زباله‌های خانگی این کشور بازیافت می‌شدند، این میزان در حال حاضر به ۹۹ درصد افزایش یافته است... نخستین کارخانه زباله‌سوزی سوئد در سال ۱۹۰۴ راه‌اندازی شد و در حال حاضر، ۳۲ کارخانه در سراسر این کشور با سوزاندن زباله، برق تولید می‌کنند. سوئد در سال ۲۰۱۵، نزدیک به ۲/۳ میلیون تن از زباله‌های خانگی را از طریق سوزاندن، به انرژی برق تبدیل کرد»

<https://www.zistonline.com/news/79135> (دسترسی در ۱۳/۴/۱۴۰۲).

دقت، با سرعت و قانونمند مورد تحقیق، بررسی و اجرا قرار گرفته است.^۳ همچنین، «براساس یک مطالعه جامع توسط سازمان بهداشت جهانی، عدم توجه به جمع آوری و دفع صحیح زباله می تواند ۳۲ مشکل زیست محیطی را فراهم نماید... یکی از راه‌های بسیار موثر برای مبارزه و خنثی سازی اثرات نامطلوب زباله‌های تر، تبدیل آنها به کود است».^۴ کاربردهای فراوان پسماند موجب تردید و اختلاف در مالکیت آن شده است. مسئله مالکیت پسماند در برخی از کشورها به حکم قانون حل و فصل شده است. به عنوان نمونه، ماده ۷ قانون مدیریت پسماند عربستان مقرر می‌دارد: «مالکیت پسماند در دو مورد زیر به دولت منتقل می‌شود: ۱) قرار دادن زباله در ظروف تعیین شده برای آن یا در نزدیکی آن، ۲) قرار دادن پسماند در هر مکان عمومی برای نگهداری یا در مکان‌های دفع ایمن. این مرکز حق دارد زباله‌ها را به گونه ای دفع کند که پایداری مالی حاصل شود و هزینه‌های عملیاتی مراجع ذیصلاح را پوشش دهد. مراجع ذی صلاح می‌توانند پس از تایید مرکز طبق مقررات نسبت به دفع زباله اقدام کنند».

همچنین، ماده بیست و چهارم آیین نامه اجرایی قانون مذکور، زیر عنوان «فصل دهم: مالکیت پسماند» تصریح می‌کند: «سازمان‌های ذیصلاح، مراجع ذی ربط و تولیدکنندگان پسماند باید موارد زیر را در نظر بگیرند: ۲۴/۱- کلیه پسماندهای جامد شهری در صورت قرار گرفتن در ظروف تعیین شده یا در مجاورت آن یا در مکانی که معمولاً محل زباله یا متروکه تلقی می‌شود از اموال وزارت [امور شهرداری‌ها و دهیاری‌ها]، دبیرخانه‌ها و شهرداری‌ها محسوب می‌شوند». از این گذشته، مطابق ماده ۲۴/۲، جمع آوری، حمل، نگهداری، سوزاندن، ضبط، رسیدگی، پردازش، بازیافت یا استفاده از زباله‌های جامد شهری بدون مجوز برای هر شخص حقیقی یا حقوقی ممنوع است.

در مقررات کشورمان، مطابق مواد ۲ و ۷ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳، مدیریت اجرائی پسماندها که شامل اقداماتی مانند جمع‌آوری، جداسازی، بازیافت، و دفع آنها می‌شود، بسته به حوزه جغرافیایی بر عهده شهرداری، دهیاری یا بخشداری است و نهاد مذکور می‌تواند مدیریت اجرائی را به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار کند. این مقررات صرفاً نهاد متولی مدیریت اجرایی پسماند را تعیین کرده و در خصوص مالکیت آن ساکت است. در عمل، شهرداری‌ها به عنوان نهاد اصلی مدیریت اجرائی، مالکیت پسماند را از آن خود دانسته و مدیریت اجرائی را موجب ایجاد مالکیت برای خویش می‌دانند. از سوی دیگر، گهگاه اشخاص عادی که متولی امر پسماند نیستند، پسماندهای موجود در سطل‌های تعبیه شده یا در کنار آن را تصرف کرده و مدعی مالکیت آن می‌شوند و این امر در مواردی موجب اختلاف و درگیری بین اشخاص مذکور و ماموران شهرداری یا انتظامی گردیده است. بخش عمده‌ای از این اختلافات ناشی از ابهام در مالکیت پسماند است. در سطح کلان‌تر نیز این مسئله مطرح می‌شود که پسماندهایی که جمع‌آوری شده و در فرایند بازیافت قرار گرفته‌اند متعلق به چه کسی است. از این رو، این مسئله و اختلافات مذکور، لزوم تحقیق در باره این موضوع را توجیه می‌کند.

^۳ <https://www.zistonline.com/news/79135> (دسترسی در ۱۳/۴/۱۴۰۲).

^۴ <https://etojiji.com/composting-from-urban-waste> (دسترسی در ۱۳/۴/۱۴۰۲).

مسئله مالکیت پسماند هم مسئله‌ای حکمی است و هم مسئله‌ای موضوعی. از جهت حکمی، این نکته قابل بررسی است که آیا اعراض و اباحه موجب خروج شیء از ملکیت مالک می‌گردند یا نه. از جهت موضوعی این تردید وجود دارد که عمل شخص در دست کشیدن از پسماند مصداق اعراض یا اباحه است یا مشمول عنوان حقوقی دیگری است. از جهت اول، بررسی احکام و قواعد مالکیت و از جهت دوم بررسی تفسیر قصد مالک و مالک سطل زباله و نیز تصرف آن توسط اشخاص دیگر مطرح می‌شود.

پیشینه تحقیق: در متون فقهی و نیز ادبیات حقوقی کشورمان تحقیق مستقلی درباره مالکیت پسماند ملاحظه نمی‌شود. البته در لابلای مسائل فقهی و حقوقی نکاتی به چشم می‌خورد که به این بحث ارتباط می‌یابد مانند مسئله اعراض و نیز مالیت و ملکیت داشتن مورد معامله که در این تحقیق به آنها اشاره خواهد شد.

با توجه به نکات فوق و خلأ موجود، در بررسی مالکیت پسماند، باید به فقه امامیه و قانون مدنی به عنوان منابع اصلی احراز مالکیت رجوع شود.

سوالات تحقیق: گذاردن پسماند در سطل زباله یا کنار آن ظهور در چه عمل حقوقی دارد؟ آیا اعراض از پسماند موجب خروج آن از ملک مالک می‌شود؟ آیا پسماند با گذاشته شدن در سطل زباله به ملکیت مالک سطل وارد می‌شود؟ آیا اشخاص دیگر غیر از مالک سطل زباله می‌توانند چیزی از محتویات آن را بردارند؟

متغیرهای مسئله. در مسئله حاضر متغیرهای متعددی وجود دارد که در حکم آن دخیل است. برخی از متغیرهای مهم عبارت‌اند از: نوع پسماند از جهت داشتن یا نداشتن ارزش مالی، محل گذاردن پسماند، و قصد مالک پسماند. دو متغیر نخست در ادامه با تفصیل بیشتر بررسی می‌شود. در مورد تأثیر قصد مالک در این بحث می‌توان گفت: قصد مالک از رها کردن پسماند ممکن است بر حسب حالاتی که خواهد آمد اعراض به معنای خاص فقهی و حقوقی محسوب شود اما ممکن است اباحه یا تملیک بلاعوض باشد. دو صورت اخیر را نه تنها نمی‌توان اعراض از ملک تلقی کرد بلکه مالک با این اقدام در واقع سلطه مالکانه خود را اعمال می‌کند.^۵ البته اباحه یا تملیک ممکن است به صورت عام و بدون در نظر گرفتن هیچ جهتی و برای هر شخصی که آن را تصرف کند صورت گیرد و ممکن است مقصود، اباحه یا تملیک به اشخاص خاص از جمله مالک سطل یا اشخاص نیازمند باشد. هر چند در مورد اخیر نیز مالک مال خود را به شخص معینی اباحه یا تملیک نمی‌کند اما قصد دارد که مال به دست اشخاص فقیر برسد. بنابراین، اباحه یا تملیک از جهت معلوم نبودن مخاطب آن عام است اما با توجه به قصد مالک، که ناظر تملیک یا اباحه به دسته خاصی از اشخاص است، می‌توان آن را اباحه یا تملیک خاص یا جهت‌دار تلقی کرد.

مفهوم مالکیت و حق اختصاص

^۵ ایروانی، جمان السلک فی الإعراض عن الملك، ۲۱۷

در این نکته تردیدی نیست که مالکیت از لحاظ فقهی رابطه‌ای بین مالک و مملوک است؛ هر چند که در مورد ماهیت این رابطه و این که از أعراض است و بر مالک یا مملوک عارض می‌شود یا از امور انتزاعی و منتزَع از حکم تکلیفی جواز تصرفات است یا صرفاً امری اعتباری و تابع جعل است، اختلاف زیادی در بین فقها به چشم می‌خورد.^۶

از لحاظ حقوقی، «مالکیت کامل‌ترین حق عینی است که انسان می‌تواند بر مالی داشته باشد»^۷ و دارای سه وصفِ مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن است.^۸ با توجه به این اوصاف سه‌گانه، در تعریف آن گفته‌اند: «حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند».^۹

از نکات بالا استفاده می‌شود که موضوع مالکیت باید «مال» و دارای ارزش اقتصادی باشد.^{۱۰} از این رو، در مورد رابطه شخص با شیء فاقد ارزش مالی عرفی یا شرعی نباید به «مالکیت» تعبیر کرد. به همین دلیل است که در متون فقهی برای بیان چنین رابطه‌ای از «حق اختصاص»^{۱۱} استفاده می‌شود. منشأ حق اختصاص ممکن است حیا زت شیء فاقد مالیت یا مالکیت سابق باشد. نمونه اخیر جایی است که حیوان مملوک تلف شود یا گوشت خریداری شده فاسد گردد و از مالیت بیافتد.^{۱۲} در بحث حاضر نیز رابطه شخص با پسماندهایی که فاقد ارزش عرفی هستند ممکن است حق اختصاص تلقی شود.

مفهوم و انواع پسماند

مطابق بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰، «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولیدکننده زائد تلقی می‌شود». همچنین در یک سایت تخصصی مربوط به خرید پسماند، واژه پسماند و ضایعات مترادف تلقی

^۶ نک: حائری، فقه العقود، ۱/۲۹ تا ۱/۲۹؛ همچنین، نک: جزائری، نظرة في الحقوق، أحكامها و أقسامها، ۱۱۳؛ اصفهانی، حاشیه المکاسب، ۱۷/۱؛ اصفهانی، الإجارة، ۴۸: الملكية الشرعية و العرفية ليست من الاعراض المقولية الخارجية حتى تتوقف على موضوع محقق في الخارج بل من الاعتبارات.

^۷ کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۱۰

^۸ کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۱۰ تا ۱۰۵

^۹ کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۱۰

^{۱۰} شهیدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ۲۸۴

^{۱۱} نائینی، منية الطالب في حاشية المکاسب، ۴۱/۱: ... حق الاختصاص بالنسبة إلى الأشياء الغير المتمولة كالخمر القابل للتخليل قسمي حقاً.

^{۱۲} انصاری، کتاب المکاسب، ۱/۱۰۵ تا ۱۰۶

گردیده^{۱۳} و در تعریف ضایعات آمده است: «به طور کلی ضایعات به محصولات و تولیداتی در صنعت یا یک تولیدی و کارخانه اطلاق می‌شود که یا دارای نقصی در تولید می‌باشند که قابلیت فروش در بازار را نداشته و قابلیت استفاده را ندارد و یا به تجهیزات و موادی اطلاق می‌شود که در اثر آسیب و یا پایان یافتن عمر مفید خود قابلیت خود را از دست داده و دیگر در محل مورد نظر نمی‌توان از آن استفاده کرد».^{۱۴}

در بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳/۲/۲۰)، پسماندها به پنج گروه تقسیم شده‌اند: ۱) پسماندهای عادی... که به صورت معمول از فعالیتهای روزمره انسانها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می‌شود از قبیل زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی؛ ۲) پسماندهای پزشکی (بیمارستانی) شامل کلیه پسماندهای عفونی و زیان‌آور ناشی از بیمارستانها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاههای تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه؛ ۳) پسماندهای ویژه شامل پسماندهایی که به دلیل بالا بودن حداقل یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته باشد. آن دسته از پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی، کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند جزء پسماندهای ویژه محسوب می‌شوند. ۴) پسماندهای کشاورزی شامل پسماندهای ناشی از فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان)، محصولات کشاورزی فاسد یا غیرقابل مصرف؛ و ۵) پسماندهای صنعتی شامل کلیه پسماندهای ناشی از فعالیتهای صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن از قبیل براده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

پسماند یا ضایعات بر اساس این که قابلیت استفاده مجدد^{۱۵} و بازیافت^{۱۶} دارند یا ندارند با ارزش یا فاقد ارزش هستند. از این رو، پسماند را می‌توان از لحاظ ارزش مالی به دو دسته کلی تقسیم کرد: ضایعات با ارزش و قابل بازیافت مانند ضایعات آهنی، ضایعات پلاستیکی، ضایعات کاغذی و مقوایی، و ضایعات دیگر مواد مانند پارچه و چوب و مصالح ساختمانی که ارزش و قابلیت بازیافت آنچنانی ندارند.^{۱۷}

تعیین محل و قلمرو بحث

^{۱۳} «با سرعت گرفتن صنعت و صنعتی شدن تمام جهان، دیگر از بین بردن و حتی دفن این موارد کافی نبود به همین دلیل صاحبان و رهبران کشورهای صنعتی به فکر مدیریت پسماند و یا همان ضایعات افتادند».
<https://behroob.ir/articles/articles> (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳).

^{۱۴} <https://behroob.ir/articles/articles> (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳).

^{۱۵} برخی از پسماندها مانند لباس، وسایل خانگی از قبیل تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و ظروف آشپزخانه قابل استفاده مجدد هستند. همچنین به عنوان مثال، از شیشهٔ مربا یا خیارشور ممکن است به دلایل بهداشتی نتوان دوباره برای نگهداری مربا یا خیارشور استفاده کرد اما استفاده از آن برای نگهداری حبوبات امکان‌پذیر است.

^{۱۶} در فرایند بازیافت، مواد غیرقابل استفاده به مواد جدید و قابل استفاده تبدیل می‌شود.

^{۱۷} نک: <https://behroob.ir/articles/articles> (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳).

برای روشن شدن محل و قلمرو بحث ذکر چند نکته ضروری است:

۱. در برخی موارد، اشخاص پسماندهایی مانند کاغذ، پلاستیک و فلزات را با اشخاص خصوصی یا باجه‌های مربوط به شهرداری‌ها معامله می‌کنند. این گونه موارد از محل بحث خارج است.

۲. پسماند از لحاظ ماهیت فیزیکی به پسماندهای جامد، گاز و مایع تقسیم می‌شود. نوع اخیر شامل فاضلاب‌های شهری است. همچنین، پسماند از لحاظ منشأ تولید نیز به اقسام متعددی قابل تقسیم است، از جمله: پسماندهای خانگی یا مسکونی، تجاری و اداری، ساختمانی (اعم از نخاله‌های مربوط به ساخت‌وساز یا تخریب بنا)، زباله‌های بیمارستانی، پسماندهای کشاورزی، و زباله‌های هسته‌ای. مورد بحث در این تحقیق، پسماندهای جامد خانگی است.

۳. در مواردی که مالک به اشتباه شیء‌ای را داخل یا کنار سطل زباله گذاشته است تردیدی نیست که ملکیت وی نسبت آن شیء زائل نمی‌شود و مالک می‌تواند پس از پی بردن به اشتباه خود آن را بردارد. حق برداشتن مالک در این صورت بر حق سایر افراد حتی مالک سطل زباله مقدم است؛ چراکه هیچ عمل حقوقی که نشانه اعراض، اباحه یا تملیک باشد از مالک سرزده است.

۴. یکی از مبانی اصلی مالکیت پسماند اعراض از طرف مالک پسماند و حیازت از طرف متصرف بعدی است، و از این لحاظ سه مرحله را می‌توان برای پسماند در نظر گرفت:

مرحله نخست: عدم خروج پسماند از تصرف مالک. در مواردی که مالک اشیاء کم ارزش یا فاقد ارزش مالی را از ملک خود خارج نکرده بدیهی است که ملکیت وی نسبت به آنها باقی است. از این رو، حتی اگر شخصی به اذن قانون یا مالک مُجاز در ورود به ملک مزبور باشد حق ندارد آن اشیاء را بردارد چراکه این اشیاء بر فرض که به دلیل کم ارزش بودن یا فقد مالیت عرفی، مملوک تلقی نشوند، متعلق حق اختصاص هستند.

توضیح بیشتر این که: اعراض به معنای روی گرداندن است، و روی گرداندن مالک از مال خود به دو صورت قابل تحقق است: گاه روی گرداندن به این معنا است که مالک به دلیل کهنگی یا فرسودگی و امثال آن توجهی به اموال خود ندارد و از آنها استفاده نمی‌کند اما آنها را از حیطة تصرف خود خارج نمی‌کند. در انبار بسیاری از خانه‌ها اموالی از این دست دیده می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که این «عدم استفاده» روی گرداندنِ عملی موجب خروج از ملک است. از این گذشته، حتی خروج از تصرف مالک بدون قصد اخراج از ملک را هم مشمول حکم دانسته‌اند. از این رو، مالی که در دریا غرق می‌شود و مالک امیدی به تحصیل دوباره آن ندارد در زمره اموال بدون مالک داخل نمی‌شود.^{۱۸}

بنابراین، این مسئله فقهی مورد اختلاف که آیا اعراض از مال موجب خروج از ملک است یا نه^{۱۹} مربوط به جایی است که مالک با انجام عملی مثبت، مال را از حیطة تصرف خود خارج می‌کند. از این رو، پسماندهایی که مالک آنها را از قلمرو تصرف خود خارج نکرده اما عملاً از آنها استفاده نمی‌کند، از ملک وی خارج نمی‌شود و قابل تملک توسط

^{۱۸} محقق داماد، قواعد فقه، ۲/۲۷۱؛ ایروانی، جمان السلك في الإعراض عن الملك، ۲۱۷

^{۱۹} محقق حلی، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۳/۱۶۶

دیگران نیست. همچنین، پسماندهایی هم که بدون رضایت مالک از تصرف وی خارج شده‌اند مشمول همین حکم‌اند. به عنوان نمونه، اگر دولت خانه شخصی را برای احداث خیابان تملک و تخریب کند، نخاله‌های آن در ملک مالک خانه باقی هستند.^{۲۰}

بدین ترتیب، محل بحث ما جایی است که مالک اشیاء متعلق به خود را عامدانه از حیطة تصرف خود خارج می‌کند و داخل یا کنار سطل زباله می‌گذارد. در باره اثر اعراض در این گونه موارد دو نظر فقهی ملاحظه می‌شود: به نظر برخی، اعراض موجب خروج مال از ملکیت است. اما به نظر مشهور، مالی که از آن اعراض شده از ملک مالک خارج نمی‌شود. به عنوان نمونه، علامه حلی در این زمینه می‌گوید: صیاد اگر صید را رها کند از ملک وی خارج نمی‌شود هر چند که قصد اخراج آن از ملک را داشته باشد. چراکه قصد اخراج از ملک موجب خروج از ملک نمی‌شود.^{۲۱} شهید ثانی نیز در بیان دلیل این مطلب می‌گوید: همان‌طور که تملک نیازمند سبب شرعی است خروج از ملک نیز نیازمند سبب شرعی است و از لحاظ شرعی اثبات نشده که صرف قصد از اسباب انتقال ملکیت باشد.^{۲۲} اثر عدم خروج از ملک این است که تا زمانی که مال موجود است مالک می‌تواند به آن رجوع کند. البته طبق هر دو نظر، هر شخصی می‌تواند مال اعراض شده را بردارد و اتلاف آن موجب ضمان نیست. همچنین، طبق نظر مشهور، تصرف و برداشتن آن به قصد تملک موجب تملک می‌شود.^{۲۳}

مرحله دوم، پسماند پس از جمع‌آوری آن از سطل‌های زباله یا مکان‌های که برای جمع‌آوری آن تعیین شده، به ملکیت متصدی جمع‌آوری داخل می‌شود. بنابراین، صرف نظر از مباحث و تردیدهایی که در ادامه خواهد آمد، پسماند جمع‌آوری شده خواه دارای ارزش مالی یا فاقد آن باشد از ملک یا حق اختصاص مالک اول خارج می‌شود و در صورتی که در فرایند بازیافت قرار گیرد نمی‌توان گفت که مواد بازیافت شده ملک مشاع مالکین سابق پسماندها یا با توجه به نامعلوم بودن مالکین اولیه، اموال مجهول‌المالک تلقی می‌شود. قاعدة «الزرع للزارع»^{۲۴} نیز در این مورد جریان ندارد؛

^{۲۰} خوئی، منهاج الصالحین، ۴۲۸/۱: مسألة ۴۶: ما حکم العبور من الشوارع المستحدثة الواقعة على الدور و الأملاك الشخصية للناس التي تستملكها الدولة جبرا و تجعلها طرقاتاً و شوارعاً؟ الظاهر جوازها لأنها من الأموال التالفة عند العرف، فلا يكون التصرف فيها تصرفاً في مال الغير نظير الكوز المكسور و ما شاكله نعم لأصحابها حق الأولوية، إلا أنه لا يمنع من تصرف غيرهم، و أما الفضلات الباقية منها فهي لا تخرج عن ملك أصحابها، و عليه فلا يجوز التصرف فيها بدون إذنهم و لا شراؤها من الدولة إذا استملكتها غصبا إلا بإرضاء أصحابها.

^{۲۱} محقق حلی، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، ۱۶۶/۳؛ فخر المحققین، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، ۱۲۲/۴: إذا أطلق الصيد من يده ناوياً لقطع ملكه عنه لم يزل عن ملكه مطلقاً لأصالة بقاء الملك، و الاعراض ليس من الأسباب المخرجة لأنه لا نص عليه.

^{۲۲} شهید ثانی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ۵۲۴ تا ۵۲۶/۱۱

^{۲۳} جمعی از پژوهشگران، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)، ۴۳۰/۳

^{۲۴} ماده ۳۳ قانون مدنی؛ اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، ۱۷۶/۹

چراکه در محل بحث، مالکین اولیه یا دارندگان حق اختصاص، از ملک یا حق اختصاص خود اعراض کرده‌اند؛ در حالی که در قاعده مورد بحث، اعراض مالک حبه یا دانه مفروض نیست.

مرحله سوم که موضوع بحث این تحقیق است، بین دو مرحله سوم یعنی فاصله زمانی خروج پسماند از تصرف مالک سابق و قرار گرفتن در فرایند جمع‌آوری است و به تعبیر دیگر، مالکیت پسماند در زمانی است که مالک آن را در کنار یا داخل سطل‌های زباله یا مکان‌های تعبیه‌شده برای جمع‌آوری پسماند قرار می‌دهد.

بررسی حکم مسئله

چنان‌که در مورد متغیرهای این مسئله گفته شد، مناسب است که مالکیت پسماند بر اساس ارزش مالی و نیز محل قرار داشتن آن بررسی شود.

۱. بر اساس ارزش مالی پسماند

پسماند را از لحاظ ارزش مالی می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف) پسماندهایی که عرفاً دارای ارزش مالی هستند. به عنوان نمونه، پسماند ممکن است فرش، کمد، میز و صندلی، مبلی و این گونه وسائلی باشد که بر حسب مورد، ارزش مالی کم یا زیادی دارند و مالک به دلیل «عدم‌نیاز»، آنها را در سطل زباله یا کنار آن قرار می‌دهد. منظور از «عدم‌نیاز» این است که این گونه اشیاء دیگر نیاز مالک را برآورده نمی‌سارند به این دلیل که مثلاً فرش یا مبلی معیوب گردیده یا از مد افتاده یا متناسب با ابعاد اتاق یا سالن پذیرایی خانه نیست. همچنین است لباس، کفش، وسایل منزل که به دلیل کهنگی یا مطابق مدل روز نبودن و امثال آن از آنها صرف نظر می‌شود. این اشیاء ممکن است به عنوان مثال به سمساری فروخته شود و در مقابل آن وجهی دریافت شود اما مالک ترجیح می‌دهد که آن را داخل یا کنار سطل زباله بگذارد. اشیاء کم‌ارزش‌تری مانند کاغذ و مقوا، پلاستیک، فلزات نیز از همین دسته‌اند.

ب) پسماندهایی که در عرف عام فاقد ارزش مالی هستند و مالک به منظور خلاص شدن از شر مزاحمت، آلودگی و غیربهداشتی بودن، بوی بد و امثال آن، آنها را به اصطلاح عرفی «دور می‌ریزد». محتویات سطل زباله آشپزخانه یا سنگ و کاشی شکسته و گچ و سیمان مصرف‌شده (نخاله‌های ساختمانی) معمولاً این گونه‌اند. البته برخی از همین نوع زباله‌ها نیز با توجه به کاربردهای مختلفی که امروزه برای آنها وجود دارد، در عرف خاص اشخاصی که با آنها سروکار دارند به صورت کنونی شان و پس از انباشته شدن به مقدار زیاد یا پس از طی کردن فرایند بازیافت دارای ارزش مالی تلقی می‌شوند. نمونه این دسته، زباله‌هایی است که در جهت تولید برق یا تولید کود و کمپوست انباشته می‌شوند. اما مهم این است که این اشیاء، طبق فرض، هنگامی که مالک از آنها اعراض می‌کند، در نظر عرف عام، نه تنها فاقد ارزش هستند بلکه ممکن است اشیائی مزاحم یا غیربهداشتی تلقی شوند.

محل بحث در این تحقیق زباله‌های دسته اول است؛ هرچند به مناسبت ممکن است به حکم دسته دوم نیز اشاره شود.

۲. بر اساس محل قرار داشتن پسماند

حکم مالکیت پسماند تا حدّ زیادی به محل قرار گرفتن آن مربوط می‌شود. آن چه از لحاظ بحث حاضر اهمیت دارد، چند حالت زیر است:

۱. قرار داشتن در تصرف مالک،

۲. قراردادن در سطل‌های متعلق به اشخاص خصوصی،

۳. قرار دادن در داخل سطل‌های زباله متعلق به شهرداری، و

۴. قرار دادن کنار سطل‌های زباله متعلق به شهرداری.

در سه حالت اخیر پسماند از تصرف مالک آن خارج می‌شود. در مورد این حالت‌ها، بحث مهم، ماهیت رفع ید مالک از پسماند و خارج کردن آن از قلمرو تصرف و سلطه است. در مورد ماهیت این عمل احتمالات متعددی وجود دارد از جمله این که:

۱- ممکن است بر حسب نیت مالک و محل قرار دادن پسماند، اعراض از ملک یا اباحه یا تملیک بلاعوض تلقی شود.
۲- ممکن است ایجابی از ناحیه مالک به تملیک یا قرارداد رایگان دیگری تلقی شده که از ناحیه شهرداری یا اشخاص دیگر قبول می‌گردد.

۳- ممکن است قصد مالک هنگام گذاردن پسماند در سطل زباله، اعراض یا ایجاد اباحه انتفاع نباشد و صرفاً سپردن آن به روند جمع‌آوری باشد. در مورد این حالت دو احتمال وجود دارد:

الف) ممکن است اقدام به واگذاری پسماند نوعی واقعه حقوقی تلقی شود و با قرار گرفتن در فرایند جمع‌آوری و بازیافت، ازاله مالکیت یا اعراض بر آن صدق کند.

ب) ممکن است اقدام اشخاص به بیرون گذاردن پسماند صرفاً یک واقعه حقوقی تلقی شده و اثر آن بقاء مالکیت باشد که با ادامه فرایند جمع‌آوری و بازیافت، در حکم مال مشاع یا مجهول المالک قلمداد شود.

به هر حال، در صورتی که نتوان قصد اصلی طرفین را در این خصوص احراز کرد، باید به ادله دیگر از جمله ظهور عرفی و اصل یا قاعده استصحاب رجوع کرد.

در ادامه، حکم مالکیت پسماند در حالت‌های بالا بررسی می‌شود.

۱. قرار داشتن در تصرف مالک

اشیائی که در تصرف مالک قرار دارند و مالک از آنها عملاً اعراض کرده به سه دسته قابل تقسیم هستند:

الف) اشیاء دارای مالیت عرفی. در برخی موارد مالک از برخی اموال خود استفاده نمی‌کند اما هنوز آنها را از سلطه خود خارج نکرده است. در مورد این گونه اموال تردیدی نیست که مال از ملک مالک خارج نمی‌شود.^{۲۰} از این رو، ممکن است اسباب و لوازم فرسوده در انبار مالک یا چوب و هیزم در باغ وی یا قطعات یدکی در گاراژ مالک وجود داشته باشد

^{۲۰} ایروانی، جمان السلك في الإعراض عن الملك، ۲۱۷؛ و أي مجال لتوهم أن مجرد ترك معاملة الملكية مع المملوك يوجب خروجه عن الملك و إلا خرج أغلب المحققات عن ملك أربابها.

و مالک عملاً به آنها توجه نکند اما تا زمانی که در انبار، باغ یا پارکینگ است اعراض به معنای خاص فقهی و حقوقی بر آنها صدق نمی‌کند. پسماندهایی که در عرف «ضایعات» نامیده می‌شوند مانند پلاستیک، کاغذ و مقوا نیز در همین دسته قرار می‌گیرند.

ب) برخی از اشیاء فاقد ارزش عرفی هستند و طبق اصطلاح فقهی و حقوقی ملک به معنای خاص تلقی نمی‌شوند اما متعلق حق اختصاص متصرف هستند و از این رو، هیچ شخصی حق ندارد بدون اذن متصرف آنها را بردارد. البته در صورتی که شخصی اقدام به برداشتن آنها کند، با توجه به این که طبق فرض، عرفاً فاقد ارزش هستند، ضمانتی متوجه شخص دارنده نمی‌شود. نداشتن ارزش عرفی ممکن است به دلیل قلت و کمی آن باشد مانند یک دانه گندم یا حقارت و پستی^{۲۶} یا نجاست آن. نمونه دو مورد اخیر لاشه حیوان مرده‌ای است که قبل از مرگ در تملک شخص بوده و نیز آب انگوری است که به شراب تبدیل شده است.^{۲۷}

ج) برخی از اشیاء فاقد مالیت عرفی نه تنها ملک متصرف بلکه متعلق حق اختصاص او نیز محسوب نمی‌شوند. برای این مورد به فضولات انسان زده‌اند مثال زده‌اند. امام خمینی در این مورد، با ردّ نظری که فضولات شخص را متعلق حق اختصاص او می‌داند می‌نویسد: اطلاق این سخن قابل پذیرش نیست. از این رو، آب دهان^{۲۸} انسان که بر روی زمین می‌افتد نه مملوک او است و نه متعلق حق اختصاص وی؛ و قصد اعراض یا عدم اعراض وی نیز در این جهت تاثیری ندارد. به نظر امام خمینی، ملکیت و حق اختصاص نسبت به یک شیء تابع منفعت داشتن آن شیء است و چیزی که هیچ گونه منفعتی ندارد و هیچ کس قصد تحصیل و گردآوری آن را نمی‌کند، مملوک یا متعلق حق اختصاصی هیچ شخصی نیست.^{۲۹} برخی از زباله‌هایی که طبع انسانهای متعارف از آنها رویگردان است و جزو «خبائث»^{۳۰} محسوب می‌شوند نیز می‌توانند در این دسته قرار گیرند.

^{۲۶} انصاری، کتاب المکاسب، ۹/۴؛ شهیدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، ۳۱۴

^{۲۷} قزوینی، ینابیع الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ۴۵/۲؛ خمینی، تحریر الوسيلة؛ ۴۹۳/۱ تا ۴۹۴: مسألة ۲: الأعیان النجسة عدا ما استثنی و إن لم یعامل معها شرعاً معاملة الأموال، لكن لمن كانت هی فی یده و تحت استیلائه حق اختصاص متعلق بها ناش إاما من حیازتها أو من کون أصلها مالا له و نحو ذلك، كما إذا مات حیوان له فصار میتة أو صار عنبه خمراً، و هذا الحق قابل للانتقال إلى الغير بالارث و غیره، و لا یجوز لأحد التصرف فیها بلا إذن صاحب الحق، فیصح أن یصالح علیه بلا عوض، لكن جعله عوضاً لا یخلو من إشکال، بل لا یبعد دخوله فی الاکتساب المحظور، نعم لو بذل له مالاً لیرفع یده عنها و یعرض فیحوزها البازل سلم من الإشکال نظیر بذل المال لمن سبق الی مکان من الأمکنة المشتركة كالمسجد و المدرسة لیرفع یده عنه فیسکن البازل.

^{۲۸} در متن عربی به جای «آب دهان» کلمه دیگری آمده است.

^{۲۹} خمینی، المکاسب المحرمه، ۲۴۲/۱: ... فما ربّما یقال: إنّ للإنسان حقّ اختصاص بالنسبة إلى فضلاته، لیس و جیبها علی إطلاقه. فالنخامة الملقاة علی الأرض لیست ملکاً لصاحبها، و لا له حقّ اختصاص بها، أعرض عنها أم لم یعرض. و بالجمله، اعتبار الملكیة و حقّ الاختصاص تابع لجهة من جهات المصالح، و ما لا نفع فیها مطلقاً و لا غرض لأحد فی اقتنائه لا یعتبر ملکاً و لا مختصاً بأحد.

^{۳۰} خمینی، توضیح المسائل، ۵۹۷/۲

۲. قرارداد در سطل‌های متعلق به اشخاص خصوصی

در برخی موارد اشخاص ممکن است سطل‌هایی را برای جمع‌آوری پسماندها نصب کنند. به عنوان نمونه، در برخی از مجتمع‌های مسکونی، نگهبان یا سرایدار یا اشخاصی دیگر ممکن است سطل‌هایی را برای جمع‌آوری پسماندهایی که عرفاً دارای ارزشی هرچند اندک‌اند، مانند نان خشک، پلاستیک، کاغذ و مقوا قرار دهند یا مکان‌هایی را برای گذاردن آنها تعیین کنند. از لحاظ تحلیلی و با توجه به این که هدف مالک سطل این است که اشخاص پسماندهای خود را داخل آن قرار دهند، قصد مالک را می‌توان به چند گونه تفسیر کرد:

۱. ایجاب. به این صورت که قرار دادن سطل یک ایجاب عام برای تملک یا ایجاد حق تقدم در تملک رایگان محسوب شود و گذاردن پسماند توسط مالک قبول آن ایجاب تلقی شود.

۲. قبول مقدم. به این صورت که گذاردن سطل قبول مقدم نسبت به ایجاب مالک پسماند در مورد اباحه یا تملیک مجانی آن و گذاردن پسماند توسط مالک ایجاب مؤخر محسوب شود.

۳. حیات. به این معنا که مالک سطل قصد داشته باشد با گذاردن سطل، اشیائی را که داخل آن گذاشته می‌شود حیات کند؛ همان‌طور که نصب شبکه ماهیگیری در آب و قرار گرفتن ماهی در آن یا تعبیه برج کبوتر و قرار گرفتن کبوتر بدون مالک در آن، حیات تلقی می‌شود (ماده ۱۸۱ قانون مدنی). حیات در این فرض هنگامی موجب تحقق مالکیت می‌شود که گذاردن پسماند اعراض از آن محسوب شود.

در هر سه حالت مذکور، اشیاء مذکور به مالکیت سطل وارد می‌شود و اشخاص دیگر غیر از مالک سطل نمی‌توانند آنها را بردارند و تملک کنند.

۳. گذاشتن در داخل سطل‌های زباله متعلق به شهرداری

برخی از نکاتی که در مورد حالت سابق گفته شد در مورد این حالت نیز صادق است اما تفاوت مهمی که بین حالت و حالت بالا وجود دارد این است که اولاً شهرداری یا متصدی جمع‌آوری زباله از لحاظ قانونی مکلف به جمع‌آوری زباله است و هدف از نصب سطل‌های زباله را ممکن است نتوان به راحتی یک عمل حقوقی مانند ایجاب و قبول یا حیات محتویات آن قلمداد کرد.^{۳۱} به تعبیر دیگر، قصد شهرداری یا متصدی مزبور از نصب سطل زباله سودجویی و کسب درآمد از راه تملک محتویات آن نیست بلکه بلکه اجرای تکلیفی است که قانون در راستای مدیریت پسماند برعهده وی گذارده است. سود و درآمدی که ممکن است عاید شهرداری یا متصدی شود، منفعتی تبعی است که به تبع و به مناسبت انجام تکلیف نصیب وی می‌شود. از این رو، حتی اگر اقدام به جمع‌آوری پسماند هیچ سودی برای شهرداری نداشته باشد، باز هم باید به این تکلیف خود عمل کند. توضیح بیشتر در ادامه خواهد آمد.

^{۳۱} این سخن که نمی‌توان اقدام شهرداری را نوعی عمل حقوقی از قبیل ایجاب و قبول یا حیات تلقی کرد به این دلیل نیست که نمی‌توان برای اجرای تکلیف واجب دستمزد دریافت کرد (نک: انصاری، کتاب المکاسب، ۱/۲۴۵)؛ چراکه تملک پسماند اجرت اجرای تکلیف محسوب نمی‌شود بلکه از آثار تبعی اجرای تکلیف است.

ثانیاً برخلاف حالت فوق که به طور معمول اشیائی که داخل سطل گذاشته می‌شود عرفاً دارای ارزش هستند، محتویات سطل‌های متعلق به شهرداری ممکن است دارای ارزش عرفی نباشد و صرفاً اشیائی غیربهداشتی و مزاحم تلقی شوند.

با این حال، در مورد این حالت می‌توان بین حکم اشیاء بی‌ارزش و اشیاء دارای ارزش تفکیک نمود: الف) اشیاء بی‌ارزش. در مورد این گونه اشیاء، مالک با بیرون کردن آن از قلمرو تصرف خود، از آنها اعراض یا از حق اختصاص خود نسبت به آنها چشم‌پوشی می‌کند. بنابراین، محتویات سطل زباله به قلمرو اختصاصی مالک سطل داخل می‌شود و دیگران نمی‌توانند آنها را تصرف کنند.

ب) اشیاء دارای ارزش. در صورتی که پسماند عرفاً دارای ارزش مالی باشد و مالک آن را داخل سطل قرار دهد، ظهور عرفی قصد وی اعراض از ملک است. در این گونه موارد که شیء داخل سطل قرار داده می‌شود معمولاً قصد تملیک یا اباحه به مالک سطل به ذهن مالک خطور نمی‌کند. بنابراین، پس از اعراض مالک، مال مورد اعراض در زمره مباحات قرار می‌گیرد. اما قصد مالک سطل نیازمند بررسی است:

ممکن است گفته شود که در این حالت نیز قرار دادن سطل زباله، همانند نصب تور یا شبکه برای صید ماهی اقدام برای حیازت محسوب شود و به محض این که مالی در آن قرار داده شود به ملک مالک سطل وارد می‌شود. اما احتمال قوی‌تر این است که اقدام به نصب سطل‌های عمومی زباله صرفاً در راستای جمع‌آوری زباله و فاقد وصف اعمال حقوقی مانند ایجاب و قبول یا حیازت است. این اقدام صرفاً یک عمل اداری است که متصدی جمع‌آوری زباله، مانند شهرداری، برای آن و سایر اعمال و اقدامات عمومی، علاوه بر برخورداری از بودجه دولتی، از شهروندان نیز عوارضی سالیانه دریافت می‌کند. در این صورت، صرف جمع‌آوری زباله موجب تملک آن نمی‌شود و اشخاص نیازمند می‌توانند آنها را بردارند و تملک کنند. بسیاری از افراد که مبادرت به برداشتن اشیاء از داخل سطل‌های عمومی زباله می‌کنند همین تصور را دارند. درست است که بسیاری از آنها ممکن است به صورت مخفیانه یا شبانه اقدام به برداشتن زباله از سطل کنند، اما مقصود آنها حفظ حیا و آبرو یا ترس از مزاحمت مأمور شهرداری یا نیروی انتظامی است و تصور آنها نیست که مال متعلق به غیر را سرقت می‌کنند.

۴. قراردادن کنار سطل‌های زباله متعلق به شهرداری

در بسیاری موارد اشیائی که کنار سطل زباله قرار داده می‌شوند عرفاً دارای ارزش مالی هستند مانند کفش، لباس، گلدان، کمد و قفسه. فرض‌های مختلفی در مورد این حالت قابل تصور است:

الف) شیء مورد نظر از لحاظ حجم قابل قرار گرفتن در سطل زباله را داشته باشد. در این صورت، قرار ندادن آن در سطل زباله را می‌توان قرینه‌ای بر این نکته دانست که مالک می‌خواهد شخص نیازمند آن را بردارد. بنابراین، از آنجا که شیء مورد نظر به قصد تملیک به اشخاصی که به آن نیاز دارند در کنار سطل گذاشته شده، می‌توان اقدام مالک را ایجابی برای تملیک یا اباحه عام و بلاعوض به اشخاص نیازمند محسوب کرد و با برداشتن آن توسط شخص نیازمند، قبول ایجاب تحقق می‌یابد. نتیجه این که، این گونه اشیاء توسط اشخاص نیازمند قابل تملک هستند و، تازمانی که مقرراتی در مورد

وضعیت حقوقی آنها وضع نشده است، نهادهای جمع‌آوری زباله نمی‌توانند مزاحم اشخاص در برداشتن و تملک آنها شوند.

البته از آنجا که این گونه اشیاء طبق فرض، زائد و پسماند محسوب می‌شوند و مالک می‌داند که اگر تا زمان خاصی برداشته نشوند، متصدی جمع‌آوری زباله آنها را در راستای وظیفه خود برخواهد داشت، قصد تملیک مالک، موقت و زمان‌مند است و اگر کسی آنها را تا زمان مقرر برای جمع‌آوری پسماند بر ندارد، متصدی آنها را برمی‌دارد و در ملکیت وی وارد می‌شود.

ب) شیء مورد نظر حجیم باشد و سطل زباله گنجایش آن را نداشته باشد. در این صورت، قرینه مذکور در حالت بالا وجود ندارد و از این رو، در مورد قصد مالک دو حالت وجود دارد: اول این که همانند حالت سابق، قصد وی ایجاب تملیک یا اباحه بلاعوض تلقی شود و دوم این که صرفاً اعراض از ملک محسوب شود. اما از آنجا که مالک با آن همانند شیء زائد و پسماند رفتار کرده است، می‌توان قصد مالک را بر اعراض حمل کرد؛ چراکه امروزه با توجه به وجود مراکز و نهادهایی برای جمع‌آوری این گونه اشیاء برای اشخاص نیازمند، مالک اگر تمایل داشت می‌توانست آنها را به این گونه مراکز بسپارد یا حتی اگر قصد فروش آنها را داشت می‌توانست آنها را به مغازه‌های سمساری یا اشخاص دوره‌گردی که به خرید این اشیاء می‌پردازند بفروشد.

بنابراین، خواه قصد مالک حمل بر ایجاب تملیک یا اباحه بلاعوض شود و خواه بر اعراض، اشیاء مذکور قابل تملک توسط اشخاص خصوصی است و اگر کسی آن را حیازت یا تملک نکند، متصدی جمع‌آوری آن را تصرف می‌کند و به ملک وی وارد می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. گذاردن اموالی مانند کفش و لباس کنار سطل زباله (و نه داخل آن) قرینه بر این است که مالک قصد دارد شخص نیازمند یا هر شخصی که مایل باشد آن را بردارد و استفاده کند. در این مورد، قصد اباحه یا تملیک بلاعوض موجب خروج شیء از ملک مالک نمی‌شود. از این رو، اگر مالک پشیمان شود می‌تواند دوباره به آن شیء رجوع کند و آن را تملک نماید.

۲. انداختن پسماندهای فاقد مالیت عرفی در سطل زباله موجب خرج آن از قلمرو حق اختصاص متصرف سابق و وارد شدن در قلمرو حق اختصاص مالک سطل زباله می‌گردد. این گونه پسماندها در صورتی که پس از انباشته شدن یا بازیافت دارای ارزش مالی شوند، به ملکیت متصدی جمع‌آوری یا بازیافت وارد می‌شود.

۳. پسماندهای دارای مالیت عرفی که در سطل‌های متعلق به اشخاص خصوصی گذاشته می‌شود به تملک مالک سطل وارد می‌شود.

۴. گذاردن پسماندهای دارای مالیت عرفی در داخل سطل‌های زباله عمومی ظهور در اعراض از ملک دارد اما به ملک مالک سطل یا متصدی جمع‌آوری زباله وارد نمی‌شود و از این رو، اشخاص دیگر می‌توانند آنها را تصرف و تملک نمایند.

۵. همه اقسام زباله اعم از این که فاقد یا واجد مالکیت عرفی باشد، پس از جمع‌آوری به ملکیت یا قلمرو حق اختصاص شهرداری وارد می‌شود. پسماندهایی که جمع‌آوری و انباشته شده‌اند خواه به همان صورت دارای ارزش مالی باشند یا پس از بازیافت به مال باارزش تبدیل شوند، مملوک متصدی جمع‌آوری و بازیافت هستند. اقدام متصدی (مانند شهرداری) در جمع‌آوری و بازیافت زباله را نمی‌توان اداره مال غیر دانست وگرنه، باید بر زباله‌های جمع‌آوری یا بازیافت‌شده حکم مال مجهول‌المالک یا مشاع را مترتب کرد و این نتیجه را عرف و ذوق سلیم نمی‌پذیرد.

۶. امروزه پسماند بعد از جمع‌آوری و بازیافت و حتی قبل از آن دارای ارزش مالی است و ابهام در مالکیت آن ممکن است موجب اختلاف و نزاع گردد. با توجه به این که جمع‌آوری و بازیافت زباله امروزه از کارهای عمومی دولت‌ها محسوب می‌شود، صرف تبیین حکم مسئله از لحاظ فقهی و حقوق خصوصی کافی به نظر نمی‌رسد. از این رو، شایسته است که دولت در جهت تعیین حکم مالکیت آن مقررات مناسبی وضع کند.

منابع

اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

اصفهانی، محمد حسین کمپانی. الإجارة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

اصفهانی، محمد حسین کمپانی. حاشیه کتاب المکاسب. قم: أنوار الهدی، ۱۴۱۸ق.

انصاری، شیخ مرتضی. کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

ایروانی، علی بن عبد الحسین نجفی. جمان السلك في الإعراض عن الملك. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

جزائری، سید محمد جعفر مروج. نظرة في الحقوق، أحكامها و أقسامها. منتشر شده در ضمن کتاب هدی الطالب فی شرح المکاسب. ج ۱، ص ۱۱۳-۱۷۸. قم: دار الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی. موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت (ع). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

حائری، سید کاظم حسینی. فقه العقود. قم: مجمع اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.

خمینی، سید روح الله موسوی. المکاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

خمینی، سید روح الله موسوی. تحرير الوسيلة. نجف: مطبعة الآداب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

خمینی، سید روح الله موسوی. توضیح المسائل (محشّی). قم: دفتر انتشارات اسلامی، هشتم، ۱۴۲۴ق.

خوئی، سید ابوالقاسم موسوی. منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم، چاپ بیست‌وهشتم، ۱۴۱۰ق.

شهیدی، مهدی. تشکیل قراردادهای و تعهدات. تهران: مجلد، چاپ دوم، ۱۳۸۰

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

فخر المحققين، محمد بن حسن بن يوسف حلي. إيضاح الفوائد في شرح مشكلات. قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.

قرويني، سيد علي موسوي. ينابيع الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۴ق. کاتوزيان، ناصر. اموال و مالکیت. تهران: میزان، چاپ چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.

محقق داماد، سيد مصطفي. قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامي، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.

نائيني، ميرزا محمد حسين غروي. منية الطالب في حاشية المكاسب. تهران: المكتبة المحمدية، چاپ اول، ۱۳۷۳ق.

<https://behroob.ir/articles/articles>. (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳)

<https://behroob.ir/articles/articles>. (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳)

<https://etojehi.com/composting-from-urban-waste>. (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳)

<https://www.zistonline.com/news/79135>. (دسترسی در ۱۴۰۲/۴/۱۳)